

اوصاف شیعیان واقعی در وصایای امام محمدباقر (ع)

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح

چکیده

این مقال شرحی است بر کلام امام محمدباقر (ع) پیرامون اوصاف شیعیان واقعی در باب شکر نعمت. گذشت که راهکار ایجاد انگیزه شکر در انسان، توجه به نعمت‌های الهی است. اساساً به یک معنا، هدف از اعطای نعمت، شکرگزاری انسان است؛ هرچند صرف شکرگزاری زبانی در این زمینه کافی نیست، بلکه انسان باید درصدد شناخت نعمت‌های الهی و کم‌شمردن نعمت‌های زیاد خدا و نیز ناچیز شمردن عبادت‌های زیاد خود باشد.

خداوند متعال وعده داده است که شکر نعمت، موجب افزون شدن نعمت و ناسپاسی و کفران نعمت، موجب سلب نعمت‌ها می‌شود. از این رو، شناخت نعمت‌ها، عمل به علم و نیز اخلاص در عمل، انسان را به اوج قله بندگی می‌رساند. بدین منظور، برای حفظ و تقویت یادگیری شناخت، اخلاص، بیداری و جلوگیری از غفلت و آثار سوآن، باید احساس خوف از خداوند تقویت شود. گام نخست در این زمینه، خوف صادق است که راه نیل به آن، اندیشه در باب پیامدهای سوء گناهان و ناهنجاری‌های اخلاقی است.

کلیدواژه‌ها: انگیزه، خوف صادق، عمل به علم، غفلت، اخلاق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ارزشمندتر است. به هر حال، موضوع این دو عبارت در این روایت به هم مربوط بود و به همین دلیل با وجود فاصله‌ای که بین آنها بود، آنها را به هم ضمیمه و یکجا مطرح کردیم.

راهکاری برای عمل به علم

امام باقر علیه السلام در ادامه حدیث می‌فرماید: «وَأَذْفَعُ عَنْ نَفْسِكَ حَاضِرَ الشَّرِّ بِحَاضِرِ الْعِلْمِ، وَاسْتَعْمِلْ حَاضِرَ الْعِلْمِ بِخَالِصِ الْعَمَلِ، وَتَحَرَّزْ فِي خَالِصِ الْعَمَلِ مِنَ الْعُقَلَةِ بِشِدَّةِ التَّقِيظِ، وَاسْتَجَلِبْ شِدَّةَ التَّقِيظِ بِصِدْقِ الْخَوْفِ»؛ و شر موجود را با دانشی که داری از خود دور کن، و دانش موجود را با عمل خالص به کار گیر، و در عمل خالص به مدد بیداردلی کامل، از غفلت بزرگ دوری کن، و بیداردلی کامل را با صدق در ترس [از خدا] کسب کن.

این چند سفارش مرتبط با هم، بر این نکته تکیه کرده است که اگر از همین چیزهایی که نزد تو حاضر است، درست استفاده کنی به نتیجه مطلوب دست خواهی یافت؛ اگر می‌ترسی شری - مانند محرومیت‌های دنیوی، وسوسه‌های شیطانی، یا ناراحتی‌های روحی و روانی - به تو برسد، از همین علم حضرت استفاده کن و لازم نیست رنج و زحمت فوق‌العاده‌ای را تحمل کنی. استفاده از علم حاضر به این معناست که بکوشی به آنچه می‌دانی درست عمل کنی. اگر عمل به قصد ریا و تظاهر باشد، عمل به علم نخواهد بود، بلکه در واقع این کار مخالفت با علم است؛ زیرا مقتضای علم، عمل خالص است. حضرت در ادامه سفارش خود می‌فرماید برای اینکه بتوانی عملت را خالص انجام دهی، سعی کن دل‌بیدار و کاملاً هوشیار باشی. مراقب باش دچار غفلت نشوی؛ زیرا غفلت موجب می‌شود انسان ریا کند و از خلوص نیت او کاسته شود. برای اینکه هوشیاری خودت را حفظ کنی، سعی کن خوف صادق داشته باشی.

استفاده درست از سرمایه‌های درونی

بی‌تردید همه ما در پی یافتن راهی برای سعادت و کمال هستیم، ولی گاهی گمان می‌کنیم که رسیدن به سعادت راه اسرارآمیزی دارد که آماده و بدون زحمت در اختیار برخی قرار می‌گیرد و باید در تمام دنیا بگردیم تا کسی را پیدا کنیم که این راه را بلد باشد. از این رو برای رفتن به طرف قلعه کمال تبلی می‌کنیم و به همین که هستیم قانعیم. در امور معنوی هم همت انسان اقتضا می‌کند که مقامات عالی را کسب کند؛ ولی وقتی می‌بیند که یافتن استاد اخلاق و راهنمای آگاه خیلی آسان نیست، کم‌کم عقب می‌نشیند و پس از مدتی بکلی صرف‌نظر می‌کند، به همین دلیل، برخی روایات بر این نکته

«وَتَخَلَّصْ إِلَى عَظِيمِ الشُّكْرِ بِاسْتِكْتَارِ قَلِيلِ الرِّزْقِ وَاسْتِقْلَالِ كَثِيرِ الطَّاعَةِ، وَاسْتَجْلِبْ زِيَادَةَ النِّعَمِ بِعَظِيمِ الشُّكْرِ وَتَوَسَّلْ إِلَى عَظِيمِ الشُّكْرِ بِخَوْفِ زَوَالِ النِّعَمِ»؛ با زیاد انگاشتن روزی اندک و کم شمردن طاعت زیاد، سپاسگزاری بزرگ را به دست آور، و افزایش نعمت را با سپس بزرگ به جانب خود خوان.

تقویت انگیزه شکر نعمت

امام باقر علیه السلام در بخش دیگری از این روایت، در باب موضوع شکر توصیه‌هایی کرده‌اند که به توضیحی درباره آنها می‌پردازیم. در مقام بیان راهکار برای ایجاد انگیزه شکر در انسان اشاره کردیم که به یک معنا هدف از اعطای نعمت‌ها شکر کردن بوده است؛ ولی ما صرفاً به الحمدلله گفتن عادت کرده‌ایم. این‌گونه شکر نعمت شایسته نیست. انسان باید نعمت‌های خدا را بشناسد و نعمت‌های زیاد را کم و ناچیز بشمارد، حتی نباید تصور کند رزقی که به او می‌رسد چیز کمی است، بلکه باید بیندیشد که چگونه واسطه‌های روزی او از طرف خدا به صورت منظم دست به دست هم داده‌اند تا این روزی نصیب او شود. از سوی دیگر، باید عبادت‌ها را در مقایسه با مقام و عظمت خداوند متعال کم و ناچیز شمرد.

خداوند متعال برای اینکه انگیزه شکر کردن را در انسان تقویت کند و انسان را به نتایج عظیم شکرگزاری برساند به او وعده داده که در برابر شکر نعمت‌هایی که به او داده شده، نعمت‌ها افزایش می‌یابد و اگر ناسپاسی کند در معرض سلب نعمت قرار می‌گیرد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اسْتَجْلِبْ زِيَادَةَ النِّعَمِ بِعَظِيمِ الشُّكْرِ». اگر می‌خواهی نعمت‌های زیاد را جلب کنی، سعی کن شکر عظیم به‌جای آوری و برای اینکه بتوانی شکر عظیم به‌جای آوری فکر کن که اگر ناشکری کنی، نعمت‌ها از دست تو خواهند رفت.

دو عامل تبشیر و انذار در تقویت انگیزه انسان بسیار تأثیر گذارند. هر انسانی در هر موقعیت شغلی که باشد، می‌کوشد از نعمت‌های بیشتری برخوردار شود. از اینجا معلوم می‌شود که انسان افزایش نعمت را بسیار ارزشمند می‌شمارد و در مقابل، کم‌شدن نعمت هم برای او بالای بزرگی است. توجه به این دو نکته موجب می‌شود که درصدد به‌جا آوردن شکر شایسته برآییم. البته خداوند نیازی به شکر ما ندارد و با شکر نعمت‌ها چیزی به ملک خدا افزوده نمی‌شود و این‌گونه نیست که از این طریق نیازی از نیازهای خداوند برطرف شود؛ زیرا خداوند متعال نیازی ندارد که بخواهد از این طریق یا از راه‌های دیگر آن را برآورد. اصرار بر شکر نعمت برای تکامل خود انسان و استحقاق بهره‌مندی از نعمت‌های بیشتر و

بر خواست خداوند مقدم داشته است. او برای جلب رضایت مردم خدا را نادیده گرفته است و این موجب خشم خدا می‌شود.

به‌هرحال آنچه موجب خروج عمل از اخلاص می‌شود، غفلت از مقام معبود و اقتضائات آن مقام است. اثر نیت ناخالص پوچ‌شدن و بطلان اثر عبادت است. افزون بر این، ممکن است گناه هم در پرونده ریاکار ثبت شود؛ پس انسان برای بهره‌مندی از عمل خالص باید هوشیار باشد تا غفلت عارض او نشود. انسان باید همواره توجه داشته باشد که با خداوند متعال سروکار دارد و خلق خدا نمی‌توانند برای او کاری انجام دهند: «وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ» (یونس: ۱۰۷). پس چرا انسان برای جلب رضایت مردم به عبادت، زهد و تقوا تظاهر کند؟! برای جلوگیری از غفلت، همواره باید این نکته را پیش چشم داشت. البته کار دشواری است و نیازمند تمرین دائمی است. امکان موفقیت در این برنامه با اشتغال و دلبستگی به دنیا کم است و به‌هرحال غفلت دامن‌گیر انسان می‌شود؛ اما اگر سعی کنیم خوف خدا را در دلمان تقویت کنیم و خوف صادق داشته باشیم از ریا و غفلت نجات می‌یابیم.

اهمیت خوف از خداوند

خوف ما از خداوند چندان عمیق نیست، بلکه ادعایی و سطحی است. اگر انسان حقیقتاً از چیزی بترسد، حواسش را جمع می‌کند تا با آن برخورد نکند. اگر کسی بگوید در مسیر شما سیم برقی افتاده است که پاکداشتن روی آن شما را دچار برق‌گرفتگی می‌کند - گرچه یک‌درصد احتمال صحت بدهید - کاملاً احتیاط می‌کنید. اگر انسان همان اندازه که از سیم برق می‌ترسد، از جهنم، دورشدن از نظر لطف الهی و غضب خداوند بترسد، همواره دقت خواهد کرد که رضایت خداوند را احراز کند، و اگر این‌گونه نباشد، خوف و خشیت انسان جدی و عمیق نیست.

امام باقر (ع) می‌فرماید اگر می‌خواهی آگاهی و بیداری در تو پایدار بماند و مبتلا به ریا، سمعه، سالوس و دیگر کردارهایی نشوی که عبادت را باطل می‌کنند، باید خوف صادق داشته باشی. ممکن است کسی بپرسد چگونه می‌توان خوف صادق داشت؟ باید به این نکته توجه کنیم که برای انجام هر کاری در نهایت خود ما هستیم که باید تصمیم بگیریم و با فکر و اراده اقدام کنیم. با در اختیار داشتن راهکار نباید کار را انجام‌شده تلقی کرد، بلکه راهکار، راهنمای صعود آسان‌تر به مرحله بعد است. این خود انسان است که باید تصمیم بگیرد و عمل کند تا به نتیجه برسد. خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَنْ أَيْسَرَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹).

برای حفظ بیداری و جلوگیری از غفلت و آثار سوء آن باید

تأکید کرده‌اند که همت خود را بر کثرت معلومات و مفاهیم ذهنی متمرکز نکنید، بلکه بکوشید به آنچه می‌دانید عمل کنید پیامبر (ص) می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ وَرَبَّهُ اللَّهُ عِلْمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۸۰؛ صدوق، ۱۳۹۸، ص ۴۱۶). چنین روایاتی نشان می‌دهند که آنچه مهم است استفاده از علمی است که انسان فراگرفته است. بعد از آنکه انسان این مرحله را پشت سر گذاشت می‌تواند به دنبال کسب علوم دیگر باشد البته مقصود از علم در اینجا دانش‌هایی است که مستقیماً در عمل انسان اثر دارند و در راه قرب الهی به کار می‌آیند قطعاً منظور روایت این نیست که اگر کسی مثلاً معدن‌شناسی آموخته است، برای افزوده‌شدن علمش باید برود در معدن کار کند یا اگر کسی موسیقی می‌داند، باید ساز بنوازد تا خدای متعال بر دانشش بیفزاید بنابراین، منظور از علم در چنین روایاتی دانش‌هایی است که مستقیماً به عمل عبادی و اطاعت خدا مربوط می‌شود.

ما براساس حس کنجکاو، که خداوند متعال در نهاد بشر قرار داده است، علاقه‌مندیم همه‌چیز را بدانیم. دوست داریم بدانیم چگونه ائمه (ع) و اولیای خدا به مقام عالی دست یافتند و چه مراحل و مقام‌هایی را پیموده‌اند. کنجکاوای ای که انسان را به دنبال علم می‌کشاند، عامل بسیار خوبی است؛ اما بهتر از یادگیری، عمل به علم است. شکر علم، عمل به آن است. از این رو امام باقر (ع) می‌فرماید سعی کن به همین علمی که داری عمل کنی؛ اما عمل خالص.

غفلت؛ آفت اخلاص

اما چگونه می‌توان عمل را خالص کرد؟ چرا گاهی در نماز برای انسان شائبه ریا بروز می‌کند؟ اگر انسان در مسجد خلوتی یا در بیابانی که هیچ‌کس او را نمی‌بیند به عبادت بایستد انگیزه ریا در او پیدا نمی‌شود؛ زیرا در آنجا تنهاست و کسی نیست که بخواهد او را ببیند. مفهوم «ریا» نمایاندن عمل به دیگری است. بنابراین هنگامی ممکن است انگیزه ریا برای انسان پیدا شود که بداند کسی عمل او را می‌بیند. اگر در کسی انگیزه ریا پیدا شود، با خود می‌اندیشد که اگر معلم را به‌گونه‌ای انجام دهم که خوشایند دیگران باشد، جایگاه خوبی نزد آنها می‌یابم و از نتایج آن بهره می‌برم؛ رفاقت‌مان مستحکم‌تر می‌شود؛ مریدهای بیشتری پیدا می‌کنم؛ رأی بیشتری در انتخابات به دست می‌آورم؛ و...؛ پس خوب است عبادت‌م را به‌خوبی انجام دهم. چنین شخصی از آثار سوء عمل ریاکارانه غافل است؛ زیرا اولاً عبادتش با چنین نیت‌هایی باطل می‌شود؛ ثانیاً نه‌تنها عبادتی نکرده، بلکه مرتکب گناه نیز شده است. او با اعمال خود درحقیقت به خداوند متعال بی‌اعتنایی و توهین کرده است؛ زیرا رضایت مردم را

نکند در راه کسب علم باید سال‌ها و چه‌بسا در غربت زحمت بکشد تا بعد به آن علم عمل کند، بلکه اگر از همین علمی که نزد او حاضر است استفاده کند، شر را از خود دور خواهد کرد. حضرت در ادامه می‌فرماید: «وَاسْتَعْمِلْ حَاضِرَ الْعِلْمِ بِخَالِصِ الْعَمَلِ وَتَحَرَّزْ فِي خَالِصِ الْعَمَلِ مِنْ عَظِيمِ الْغَفْلَةِ بِشِدَّةِ التَّقِيظِ وَاسْتَجَلِبْ شِدَّةَ التَّقِيظِ بِصِدْقِ الْخَوْفِ». استفاده از علم با عمل خالصانه محقق می‌شود؛ بنابراین اگر کسی می‌خواهد از علم خود استفاده کند، باید بکوشد که عمل خالص انجام دهد. از آنجاکه غفلت اخلاص را زائل می‌کند، برای محفوظ ماندن از غفلت، بیداری و هوشیاری ضروری است و کلید هوشیاری دائمی خوف صادق است. ایمان به صدق وعده خداوند درباره روز رستاخیز انسان را هوشیار می‌سازد؛ اما اگر انسان، هشدار خداوند را جدی نگیرد، نه تنها بیداری در وی پدید نمی‌آید، بلکه به غفلت و به دنبال آن، به ریا گرفتار می‌شود. استفاده نکردن از علم نیز کفرانی است که این نعمت را از انسان سلب خواهد کرد.

آفت خوف صادق

حضرت فرموده دیگری هم دارد که قدری مبهم است و شاید هم در نسخه اختلالی باشد. عبارت این است: «وَإِخْرَجْ حَقِيَّ التَّزْيِينِ بِحَاضِرِ الْحَيَاةِ». شاید حضرت با این تعبیر، برای تکمیل موضوع خوف صادق، به آفت آن اشاره می‌کنند. معاشرت با دنیاپرستانی که پیوسته از لذت‌های دنیا، ارزش مادیات و... دم می‌زنند و در اندیشه آراستن خود با زیورهای دنیا هستند، قلب انسان را از خوف خداوند خالی می‌کند. نمی‌توان انتظار داشت که قلب چنین کسی با یاد خدا بلرزد. گاه کار به جایی می‌رسد که اصلاً نمی‌خواهد اسم خدا را بشنود. دوری از معاشرت با چنین کسانی باعث می‌شود، حالت خوف در انسان ثابت بماند. طبق این احتمال، منظور از عبارت مزبور توصیه به کناره گرفتن از کسانی است که هم‌تشان معطوف به زندگی نقد و حاضر دنیاست؛ زیرا معاشرت با آنها خوف صادق و بیداری را از قلب انسان می‌راند، و مبنای این احتمال آن است که واژه «حَقِيَّ التَّزْيِينِ» با حاء مهمله به معنای کسی باشد که اهتمامش تزئین به دنیاست.

.....**منابع**.....

حکیمی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۰، *الحیة*، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

صلوق، محمدبن علی، ۱۳۹۸ق، *التوحید*، تصحیح هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین.

احساس خوف از خداوند را در قلبمان تقویت کنیم، و این امر در اختیار ماست و باید با اراده خودمان انجام شود. لازم است در کلام الهی تفکر کنیم و از خود پرسیم آیا توصیف قرآن از سرنوشت اهل معصیت شوخی است؟ اولین و مؤثرترین عاملی که انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و رفتار او را اصلاح می‌کند، خوف الهی است. انسان همیشه دفع ضرر را بر جلب منفعت ترجیح می‌دهد. اگر در انتخاب بین دفع مرضی سخت و ضرری جدی و بین زیبا و قوی تر شدن اندامش مختار باشد، دفع ضرر را برمی‌گزیند. مهم‌ترین عاملی که در افعال اختیاری انسان تأثیر می‌گذارد، دفع ضرر است. قرآن کریم هم انبیا را بیم‌دهنده (منذر) معرفی فرموده است: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا» (انعام: ۱۳۰). در قرآن کریم بر منذر بودن انبیا بیشتر تأکید شده است. البته انبیا هم بشارت‌دهنده بودند، هم بیم‌دهنده (نساء: ۱۶۵)؛ اما صفت منذر به صورت مطلق درباره ایشان به کار رفته است (فاطر: ۲۳). از اینجا معلوم می‌شود که انداز بیش از هر چیز در عمل انسان مؤثر است؛ زیرا توجه انسان را به خطرهای احتمالی جلب، و انگیزه‌اش را برای رعایت احتیاط دوجندان می‌کند. البته ممکن است انسان ضرر کم را به دلیل نفع زیاد به جان بخرد؛ ولی مقتضای طبیعت انسان این است که بین نفع و ضرر مساوی، دفع ضرر را ترجیح می‌دهد. روشن است که انسان تا از چیزی نترسد درصدد دفع ضرر بر نمی‌آید. اگر ترسی در کار نباشد، کوششی هم برای دفع آن صورت نمی‌پذیرد. مثلاً اگر انسان ترسی از بیماری احساس نکند، بهداشت را رعایت نمی‌کند و بیمار خواهد شد.

پس قدم اول این است که بکشیم در خوف خود صادق باشیم. راه نیل به خوف صادق این است که درباره آن دسته از آیات قرآن و روایات تفکر کنیم که پیامدهای سوء گناهان و رفتارهای ناهنجار و زشت را یادآوری کرده‌اند. آیا امکان دارد عذاب‌هایی که خداوند گناهکاران را از آن بیم داده است دروغ باشد؟! باید این پیامدها را مجسم کنیم تا خوف حاصل از آن به ما بیداری و آگاهی ببخشد. با از بین رفتن عوامل غفلت، اخلاص در عمل نیز پدیدار خواهد شد. انسان مخلص علمش را نیز بهتر به کار می‌گیرد و شکر آن را هم به‌جا می‌آورد، آن‌گاه خداوند بر علمش می‌افزاید و این چرخه ادامه می‌یابد؛ یعنی با عمل به دانسته‌ها بر علم انسان افزوده می‌شود و علم بیشتر نیز عمل بیشتر و خالص‌تر را اقتضا می‌کند تا انسان به مقام قرب الهی دست یابد.

شاید تأکید امام باقر علیه السلام بر کلمه حاضر در عبارت «وَأَدْفَعْ عَنْ نَفْسِكَ حَاضِرَ الشَّرِّ بِحَاضِرِ الْعِلْمِ» برای این باشد که انسان گمان